

قرآن و زندگی جامعه بشری

حمد ازلی خدای را سزاست که قرآن حیات بخش را نازل فرمود؛ تحیت ابدی، پیامبران الهی به ویژه حضرت ختمی نبوت (ع) را رواست که مظاهر اسمای حسنی و مخصوصا اسم شریف ...



آنچه در پی می آید پیام حضرت آیت الله جوادی آملی به مناسبت بیست و هشتمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم است که در زیر می خوانید:

حمد ازلی خدای را سزاست که قرآن حیات بخش را نازل فرمود؛ تحیت ابدی، پیامبران الهی به ویژه حضرت ختمی نبوت (ع) را رواست که مظاهر اسمای حسنی و مخصوصا اسم شریف 171#&؛ هو المحیی؛ اند؛ درود بیکران، دوده طاها و اسره ی یاسین خصوصا حضرت ختمی امامت، مهدی موجود موعود (ع) را به جاست که عدل قرآن کریم اند؛ به این ذوات تولی داریم و از معاندان لدود آنان تبری می نماییم!

مقدم حضار گرامی، اندیشوران حوزوی و دانشگاهی، مسئولان عالی رتبه نظام اسلامی، حافظان قرآن مجید و پژوهشگران علوم و حیانی رادر این همایش بین المللی 171#&؛ مبعث؛ ارج می نهیم، حضور مهمانان بزرگوار را مغتنم می دانیم و از سعی بلیغ سازمان محترم 171#&؛ اوقاف و امور خیریه؛ سپاسگزاری می کنیم و توفیق همگان را از خداوند منان مسئلت داریم!

ربوبیت خدای سبحان اقتضا دارد هر آفریده ای را برابر خواسته های برخاسته از هویت ذاتی او بپروراند، لذا توحید ربوبی، لازم توحید خالق است که پروردگار جهان غیر از آفریدگار آن نخواهد بود، چون آن که چیزی را آفرید، به طور کامل از نیازهای او آگاه و بر رفع آن تواناست:

الا یعلم من خلق و هو اللطیف الخبیر 171#&؛ سوره ملک آیه 14؛

چون مبعث حضرت خاتم الانبیاء، زمینه تشکیل این مسابقه بین المللی قرآن کریم را فراهم کرده است، نکاتی کوتاه درباره مبعث و قرآن حکیم مطرح می شود:

یکم: وحی، بعثت و نبوت در نظام علم شهودی، همانند بدیهی بلکه اولی است در منظومه علم حصولی، به طوری که ذاتا مصون از اختلاف و تخلف از یک سو و منزله از آفت شک و افت تردید از سوی دیگر است و به تعبیر قرآن مجید، 171#&؛ لاریب فیه؛ است، لذا حضرت رسول اکرم با دریافت آن هاتف غیبی، کمترین احتمال خلاف نمی داند تا به حضرت خدیجه در میان بگذارد و آن بانو وی را به پسر عموی خود ورقه بن نوفل بن اسد بن عبد العزی منتقل کند و از او در حل معضل این رخداد ناآشنا کمک گرفته شود و پیامبر در اثر رهنمود حضوری ورقه مطمئن گردد! 171#&؛ ان هذا الا بهتان و افک؛ زیرا هاله ی وهم و تیره ی شک، در حریم امن وحی خدا راه ندارد. منشا ابهام، وسیله تردید، مایه ابهام و پایه اضطراب، همگی شیطان است که هیچ اطلاعی از نزول وحی نبوی نداشته و با رجوم آسمانی، مطرود و با شهاب های ثاقب، مرجوم شده بود، زیرا با رصد ویژه ای، الهام قرآنی از نقطه آغازین شروع و به صدور مشرح نبوی (ع) رسیده و قلب مطهر آن حضرت را وحیانی کرده است: 171#&؛ بالحق انزلناه و بالحق نزل؛

دوم: آغاز مبعث، با قرائت نام خالق که انسان را از علق آفرید و تعلیم خدای اکرم به قلم و با آموزش انسان چیزی را که نمی دانست شروع شد: 171#&؛ اقرا باسم ربک الذی خلق * خلق الانسان من

علق * اقرا و ربک الاکرم * الذی علم بالقلم * علم الانسان ما لم یعلم؛ این براءت استهلال برای آن است که عنصر محوری بعثت، تعلیم جامعه انسانی به لحاظ اندیشه و تزکیه نفوس آنها به جهت انگیزه است و با این منظر، دیبای 171#&؛ لقد کرما بنی آدم؛ بافته شد، زیرا خدای اکرم با اقراء و با تعلیم، گوش و قلب را تغذیه نمود تا خروجی آن، مآثر بیان و آثار بنان باشد و چون محصول قلم، همان میوه تعلیم الهی است، همانند سایر مخلوقات خدا از حرمت ویژه برخوردار است و همان طوری که شمس و قمر مورد سوگند پروردگارند، قلم و مکتوبات صائب آن مورد قسم الهی است 171#&؛ ن و القلم و ما یسطرون؛ بنابراین کرامت جامعه بشری، محصول فراگیری قرائت های وحیانی خدای اکرم است و آنچه در مدت عمر شریف حضرت رسول (ص) تجلی داشت، مزمزه کرامت و درس کریم پروری بود و است.

1- سوره بقره آیه 2

فرشتگان را که در آیه «بل عباد مکرمون* لا یسبقونه بالقول و هم بامرہ یعملون« مطرح شد، محصول علم اسمای حسنای آنها بدانیم مصیب خواهیم بود.

سوم: آنچه در طلیعه مبعث نازل شد، اعلام مطلب عام و مهم اعتنا به علم و احترام به قلم است، زیرا نه عنوان خلق، اختصاصی به انسان دارد: «والله خالق کل شیء« و ذکر انسان و آفرینش وی از علق، موجب تنگ شدن دایره خلقت فراگیر نمی شود و نه عنوان تعلیم انسان چیزی را که نمی دانست، مایه

محدودیت منطقه وسیع تعلیم به قلم است، بنابراین می توان چنین استظهار نمود که در آغاز مبعث، به چند اصل جهانی و فراگیر اشاره شد: یکی خلقت همگانی و دیگری تعلیم گسترده و سومی قلم زنی عام به طوری که قلم کاتبان وحی را به مصداق کامل و نیز قلم کاتبان اعمال جوانج و جوارح که «ان علیکم لحافظین* کراما کاتبین« را همانند قلم های رایج شامل می شود، چون نه عنوان قلم، محصور در جنس خاص است و نه مکتوب آن، منحصر به تدوین مدارک اقتصادی است

که در آیه «إذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتبوه« مطرح شد، چنانکه قلم سوء و رقم زنی باطل، مختص به تحریف کنندگان وحی که در آیه «فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهم ثم یقولون هذا من عندالله« ذکر شد نیست، بلکه شامل هرگونه قلم زنی ناروا خواهد شد. غرض آنکه در آغاز بعثت رسول اکرم (ص) که قلمرو رسالت آن حضرت، تمام عصر و مصر و نسل تا روز قیامت است، به چند اصل جامع عینی و علمی اشاره شد.

چهارم: ضرورت وحی و نبوت برای جهاتی است که به برخی از آنها اشاره می شود. زندگی جامعه بشری خواه در محدوده محلی و خواه در قلمرو منطقه ای و خواه در حوزه بین المللی، نیازمند قوانین مصوب است و بدون آن، هرج و مرج ویرانگر است که قرآن مجید درباره گروه مبتلای به آن، چنین فرمود: «بل کذبوا بالحق لما جاءهم فهم فی امر مریج« هر قانون علمی و مورد احترام اندیشوران، دارای سه عنصر محوری است: اول، مواد روشن و مبسوط حقوقی؛ دوم، مبانی علمی که حقوقدان، مواد حقوقی را از آن مبانی تخریج می کند؛ سوم، منابع متقن که مبانی یاد شده، از آنها استنباط می شود و با فقدان هر کدام از این سه عنصر محوری، قانون قابل اجرا محقق نخواهد شد. آنچه مایه جرات قانونگذاری حقوق دانان می شود این است که آنان موارد نیاز جامعه را از نزدیک بررسی می کنند و مبانی حقوقی فراوانی را مورد مطالعه قرار می دهند- مانند عدالت، استقلال، آزادی، امنیت، رعایت امانت، تعهد و احترام متقابل و نظایر آن که مبنای بسیاری از مواد حقوقی اند- آن گاه در صدد استخراج مواد حقوقی از مبانی یاد شده بر می آیند، در حالی که گرچه مفاهیم مبانی یاد شده کاملاً روشن است مثلاً معنای عدل، وضع هر چیزی و هر شخصی در جای خود است اما حقایق آن مبانی، کاملاً مجهول، مبهم و مستور است، زیرا نه جای اشیای جهان به خوبی معلوم است و نه جای اشخاص با دلیل قاطع، معین می باشد و با مجهول بودن حقیقت مبنا، تدوین مواد حقوقی معقول و مقبول، ممکن نیست لذا باید مبانی یاد شده، از منابع و حیانی هماهنگ یا عقل برهانی استنباط شود.

سرّ نیاز به منبع آسمانی آن است که تنها خداوند از حقیقت عدل واقعی آگاه است، زیرا خالق اشیاء و اشخاص، منزل هر شیء و منزلت هر شخص مانند زن، مرد، کودک، نوجوان، جوان، میانسال و کهنسال را به خوبی می داند و از کیفیت قرار دادن آنها در جای مناسب خود با خبر است و با نازل نمودن کتاب و فرستادن مفسر و مبلغ و مجری به نام پیامبر (ص) حقیقت عدل را همانند حقیقت استقلال، آزادی و نظایر اینها تبیین می نماید و این مطلب، نموداری از آثاره دفائن عقول است که از مهم ترین ره آورد پیامبران است.

پنجم: همان طوری که انسان دارای بدن و روح است و این دو در اثر پیوند اتحادی نه انضمامی و نه اعتباری، موجود واحد حقیقی به نام انسان را می سازند، جهان نیز ظاهری دارد که در پرتو باطن، معناداری شود و توقع حق و تکلیف متقابل، بین جهان و انسان به جا خواهد بود. آنچه از مبعث رسول اکرم (ص) همانند مبعث ابنیای دیگر برمی آید این است که جامعه بشری، سه وظیفه در برابر جهان دارد: 1- جهان بینی 2- جهان بانی 3- جهان آرایی. بر پایه اصل اول، معرفت تجریدی مطرح می شود و با برهان فلسفی و کلامی ثابت می شود که جهان ممکن، محتاج به مبدا واجب و ازلی است؛ بر رواق اصل دوم، نگرهبانی جهان از خاک تا فلک و صیانت آن از آسیب تخریب و گزند آلودگی محیط زیست و مانند آن لازم است و بر ناق اصل سوم، آرایش زمین و معمور نمودن آن و استخراج معادن آن و مرمت و تعمیر ضایعات طبیعی لازم خواهد بود. قرآن حکیم، صدر و ساقه جهان را آیات آفاقی و انفسی می داند و بشر را به نظر و سپس رویت علت پیدایش و پرورش آنها فرا می خواند: 171#&؛ او لم ينظروا فی ملکوت السماوات و الارض؛ و از طاغیان و بیرانگر به زشتی یاد می کند: 171#&؛ اذا دخلوا قریه افسدوها؛ و از همگان به ویژه فرهیختگان علمی و نخبگان علمی می خواهد زمین را از آفت طغوی و افت استبداد و غده استعمار و زباله استثمار و زائده استحمار و سرطان استعباد آزاد سازند: 171#&؛ هو انشاکم من الارضا و استعمرکم فیها؛ روشن است که زمین با مهندسی عادلانه و معماری عاقلانه و کشاورزی آزادانه و اقتصاد برادرانه و برابانه، بدون زالوهای گذشته آباد می شود که فرمان خدا به آن است.

ششم: برنامه های رسمی پیامبران مخصوصا حضرت ختمی نبوت (ع) در بخش تعلیم و تربیت غیر از بخش های اجرای قانون، دفاع از آن و نوآوری های فنی و مانند آن، چهار اصل مهم است:

1- تلاوت آیات الهی و ابلاغ متن آن به جامعه

2- تعلیم، تفسیر و تبیین آیات الهی و پاسخ به سوالات راجع به مطالب آیات تلاوت شده

3- تذکیه عقل نظر و تزکیه عقل عمل و پرورش انسان های مهذب که نه بیراهه بروند و نه راه کسی را ببندند.

4- تعلیم معارف الهی- انسانی که نه ابتدائا معلوم بشر است و نه فراگیری آن، بدون معلم آسمانی میسر اوست.

اصول سه گانه یاد شده در بسیاری از آیات قرآن کریم مشهود است و اما اصل چهارم را جمله 171#&؛ و يعلمکم ما لم تکنوا تعلمون؛ به عهده دارد یعنی پیامبر اکرم (ص) چیزی را به شما یاد می دهد. که

هرگز از نزد خود توان فراگیری آن را بدون وحی ندارید. جریان جهان قبل از دنیا و نیز جهان بعد از آن، از مصادیق مهم آیه مزبور است؛ لیکن آشنایی با بسیاری از حقایق جهان کنونی را فقط با راهنمایی جهان آفرین می توان شناخت و همین مطلب سامی در کلام نورانی امیر مومنان حضرت علی بن ابی طالب (ع) آمده است که آن حضرت در وصف پیامبر اکرم (ص) چنین فرمود: 171#&؛ و اشهد ان محمدا عبده و رسوله المجتبی من خلائقه و المعتمد لشرح حقائقه و المختص بعقائل کراماته و المصطفی لکرائم رسالاته و الموضحه به اشراف الهدی و المجلو به غریب العمی؛ 171#& - ؛ اعتیام؛ یعنی اختیار و انتخاب؛ مال خوب و نخبه را 171#&؛ عیمه؛ گویند- یعنی خداوند، حضرت رسول (ص) را برای شرح حقایق خود انتخاب فرمود.

1- سوره اعراف آیه 185.

2- سوره نمل آیه 34.

3- سوره هود آیه 61.

سوره بقره آیه 151.

پس دین الهی و بعثت رسول گرامی و قرآن مجید، عهده دار تبیین معارف ویژه در جهان بینی و جهان بانی و جهان آرایی است که در

ظل آن، عدل الهی و استقلال و آزادی و سایر فضایل انسانی که هم اکنون خاورمیانه و نیز بخشی از منطقه های خاور دور برای دسترسی به آنها قیام نموده اند تامین می شود.

مجدداً مقدم برادران و خواهران اندیشمند را گرامی داشته، از برگزارکنندگان محترم این مسابقه بین المللی سپاسگذاری شده و توفیق همگان از خداوند مسئلت می شود!

پیام حضرت آیت الله جوادی آملی به بیست و هشتمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم / تیر ماه 1390